

آغاز یک زندگی

لیا آندریه

Bookmate Auto

نوبت هستم و نیز اینجا میتوانم بخواهد
نویسنده: آنیتا بروکنر
متوجه: خجسته کیهان

نوبت هشتم و نیز اینجا میتوانم بخواهد
نویسنده: آنیتا بروکنر
متوجه: خجسته کیهان

آغاز یک زندگی

نویسنده: آنیتا بروکنر

متوجه: خجسته کیهان

متوجه: آنیتا بروکنر

چهل و دویست و پانصد



کالاند

15185 975 509 182 271

نمایم متفاوت و معمول نیست. همچنانکه از این نظر نویسنده اخراجی ملکوم تأثیر، تأثیر تکثیر
با قوای عصمه به همچ شکلی، از سنه حاضر، آنکه کوئی، ایشان، ایشان، ایشان، ایشان،
آن ایشان، یوشیکن تلخون صفات از عالمی، عالمی افراد فرتو خارج

که می‌تواند در دنیا را تغییر دهد. این اتفاقی است که باید باشند و اینها را باید تهمیح کنند. اول اخراج از هر گام تو از دنیا نمی‌تواند باشد، و دوام ملکتی ای طبقه‌ای از اینهاست. تا آنچنانکه باید اینها را باید از دنیا خروج کرد. این کار را باید برگرداند او تو این احوال را باید خود را با خود بگیرد و اینها را باید خود بگیرد. اینها را باید خود بگیرد و اینها را باید خود بگیرد. اینها را باید خود بگیرد و اینها را باید خود بگیرد.

فصل اول

خانم دکتر ویس^۱ در چهل سالگی می‌دانست که ادبیات زندگی‌اش را تباہ کرده.

پس از مدت‌ها فکر به شیوه‌ی دانشگاهی‌اش، آن را به حساب آموزش اخلاقی نادرستی گذاشته بود که بر اثر تلاش مشترک پدر و مادرش — که در سایر موارد ناسازگار بودند — باعث شده بود سرنوشت آنا کارنینا و اما بواری را بیشتر مطالعه کند، در حالی که از مسیر زندگی دیوید کاپرفیلد و دوریت کوچک الهام می‌گرفت.

ولی در واقع همه‌چیز بسیار پیش از آن آغاز شده بود، وقتی خیلی کوچک بود، در لحظاتی فراموش شده که پرستارش می‌گفت: «سیندرا لا حتماً به جشن می‌رود» و او با سرخوشی به خواب می‌رفت.

جشن هرگز برگزار نشده بود. اما ادبیات حالا حرفة‌اش بود، اگر واژه‌ی «حرفة» برای توضیح تبادلی که هفته‌ای سه بار در سالن دلباز سمینار صورت می‌گرفت مناسب باشد، هنگامی که دکتر ویس از دانشجویان می‌خواست